



فروش می آمد و آذوقه و مایحتاج خود و عیال خود را بر دوش خود گرفته و به دامان خود نهاده و به خاتمه خود می برد و در این باب اهانت از کسی قبول نمی کرد، و جامه های وی کرباس و پشمینه کم بها بود و به کسب تکمه چینی اشتغال داشت... و چند دستگاه شربابی هم داشت، و قدری هم زراعت می نمود...<sup>۱۳</sup>

و نیز ملا حاج محمد ابراهیم کلباسی عالم بزرگ اصفهان که خود در ورع و تقوی کم نظیر بود، در احوال استادش آقا محمد یزدآبادی نقل می کند که در یک سال قحطی، آقای یزدآبادی و خانواده اش در تمام مدت فقط از سبزی پخته یا خام استفاده می کردند، و به هیچ نوع غذای دیگر لب نمی زدند. و نیز حکایت کرده اند: با این که بزرگان دولتی عصر نسبت به ایشان ارادت فراوان نشان می دادند و به ملاقات با او علاقه ای داشتند، اما حکیم از اینگونه کسان رو می گردانید، و چندان توجه و علاقه ای به آنها اظهار نمی داشت<sup>۱۴</sup>، و اموالی که به حضورش می آوردند نمی پذیرفت، و بدان حتی دست نیز نمی آلود.<sup>۱۵</sup>

این حکیم بزرگ و عالم ربانی سرانجام در سال ۱۱۹۷ به دار بقا ارتحال یافت، و در مقابر تخت فولاد اصفهان در تکیه آقا حسین خوانساری مدفون گردید.<sup>۱۶</sup> رحمة الله علیه رحمة واسعة.

از این عارف زاهد و حکیم پارع حواشی بر اسفار ملاصدرا و چند رساله اخلاقی عرفانی به جای مانده است. در ذیل یکی از این رسائل کوچک اما زیبا و پر معنا را خدمت خوانندگان عزیز عرضه می داریم و امیدواریم که مایه تنبه و حرکتی باشد.

بسم الله الرحمن الرحيم

یا ایضی و حیسی إن كنت عبداللہ فارتفع همتک و کل علی اللوامر ما یهتک<sup>۱</sup>

تا توانی همت خود را عالی نما لان المره بطیر بهمته کما بطیر بیجانیه<sup>۲</sup>

غلام همت آنم که زیر چرخ کبود زهر چه رنگ تعلق پذیرد آزاد است

هر چه در این راه نشانت دهند

گر نستانی به از آنت دهند به تأملات صحیحه و کثرت ذکر موت خانه دل را از غیر حق خالی گردان:

«یک دل داری پس است یک دوست ترا»

«آتش الله بکاف عیده»<sup>۳</sup> ما تجمل الله لرجلی من قلتین فی سجوفه<sup>۴</sup>

در دو عالم گر تو آگاهی از او از چه بد دیدی که در خواهی از او

از چه بد دیدی که در خواهی از او

از چه بد دیدی که در خواهی از او

از چه بد دیدی که در خواهی از او

الهی زاهد از تو حور می خواهد قصورش بین به جنت می گریزد از درت یارب شعورش بین ما عبتک خوفاً من نارک و لا طمعاً فی جنتک بل وبتدک آخلاً للعبادة فبتدک.<sup>۵</sup>

دو عالم را به یک بار از دل تنگ برون کردیم تا جای تو باشد و تحصیل این کار به هوس نمی شود، بلکه تا نگذری از هوس نمی شود.

آئی الله أن یجری الأمور الآ بسبابها، و الاسباب لا بد من اتصالها بمسبباتها، و الامور العظام لاتأمل الآ بالمشی و لا یدرک بالهوی و استینوا فی کل صناعه بار بابها و اتوالیوت من آتواها فان المشی بضاعة الهلکى<sup>۶</sup> آئینه شو جمال پری طلعتان طلب جاروب کن تو خانه و پس میهمان طلب.

●●●

چو مستعد نظر نیستی وصال مجوی

که جام بجم ندهد سود وقت بی بصری باید اول از مرشد کل و هادی سبیل هدایت جسته دست تویی به دامن متابعت ائمه هدی علیهم السلام و پشت پا به علائق دنیا زده و تحصیل عشق نموده:

لاقل الله ثم درهم<sup>۷</sup>

عشق مولی کی کم از لیلی بود

محو گشتن بهر او اولی بود

●●●

حال معشوق همان به که اسیر غم او

دل به جایی ندهد میل به جایی نکند پس هموم بخود را هم واحد ساخته با جسد و جهد تمام پا به جاده شریعت گذاشته و تحصیل ملکه تقوی نماید، یعنی پیرامون حرام و شبهه و مباح قولاً و فعلاً و حالاً و تیالاً و اعتقاداً نگیرد، تا طهارت صدری و معنوی حاصل شود که شرط عبادت است:

«انما یقتل الله من المتعین»<sup>۸</sup>

«و ترک لقمه حرام احب الی الله من التی زکمه تطوعاً و یعدل سبعین حجة مبرورة»<sup>۹</sup>

و بتدریج فهم و سمع پیدا شود:

«و من یتقی الله یجعل له فرقا»<sup>۱۰</sup>

«و اتقوا الله و یعلمکم الله»<sup>۱۱</sup>

در این وقت، دقیقه از وظایف طاعات مقرر و واجبه و مندوبه فرو گذاشت ننماید تا سر و روح قدسی قوت گیرد: «و نحن یومئذ روح القدس (بالعلم و العمل الصالح) بعضه من بعض»<sup>۱۲</sup>

و شرح صدری بهم رسد، و پیوسته از معرفت و عرفان، عادت بدنی و نور ملکات نفسانی تقویت نموده نور علی نور شود:

«الطاعة تجری علی الطاعة»<sup>۱۳</sup>

و احوال سابقه در اندک زمانی به مرتبه مقام رسد، و ملکات حسنه و

اخلاق جمیله حاصل شود و عقاید حقّه را رسوخ کامل بهم رساند، و ینابیع حکمت از چشمه دل به زبان جاری گردد، و بکلی روی از غیر برتابد. در این هنگام هرگاه مانع نباشد جذبه عنایت او را استقبال کند، و شودی او را گرفته در عوض «مالا عین رأث ولا اذن سمعت ولا شطر علی قلب بشر»<sup>۱۴</sup> کرامت فرماید، و حقیقت «انک لانهدی من آخیتت ولكنّ الله یهدی من یشاء»<sup>۱۵</sup> [۱] به عینه مشاهده نموده سالک مجذوب شود. «اللهی ترّددی فی الآثار یوجب بعدّ التّزار فأجذبنی بجذبه توصلنی الی قریک و اسلکنی مسالک اهل الجذب و خذ لنفسک من نفسی ما یخلصها»<sup>۱۶</sup>

«جذبه من جذبات الربّ توازی عمل الثقلین»<sup>۱۷</sup>

- ز سودای بزرگان هیچ کس نقصان نمی بیند.

- طالع اگر مدد کند دامنش آروم به کف.

- ما به آن مقصد عالی نتوانیم رسید

هم مگر لطف خدا پیش نهاد گامی چند.

•••

- تا بدین جا فکر اسب و زین بود

بعد از اینست مرکب چوبین بود.

تا هیوب نسائم رحمت او را به کدام یک از جزائر خاندات بحرین جلال و جمال که در خور استعداد و لائق حسن او بوده رساند.

«انّ یله فی ایام دهرکم نفعات الّا فتقرّ ضوالها»<sup>۱۸</sup>

مراتب فرموده [شده] منازل سیر الی الله و مجاهدۀ فی سبیل الله است.

«یا ایها الانسان انک کادخ الی ربک کدحاً فملاقیه»<sup>۱۹</sup>

بعد از آن:

«والذین جاهدوا فینا»<sup>۲۰</sup>

که مسیر السیر فی الله است، و ذکرش ضرور نیست بلکه مضر است. در دهر می زدم من ز درون صدا برآمد

که تو در برون چه کردی که درون خانه آیی

«لایمان مراتب و منازل لو شمل علی صاحب الایمن ثلاثه لتقطع کما تقطع البیضه علی الصفا»<sup>۲۱</sup>

«زجّم الله امرأ عزّفت قدره و لم یقتد طوّزه»<sup>۲۲</sup>

چون ندیدی شیسی سلیمان را

«فمئذ ما اتیتک و کُنّ من الشاکرین»<sup>۲۳</sup>

«و لئن شکرتم لأزیدنکم»<sup>۲۴</sup>

با که گویم اندرین ره زنده کو

آن چه من گفتم به قدر فهم تست

مردم اندر حسرت فهم درست

رحم الله امرأ سمع قولی و عمل»<sup>۲۵</sup> بدانکه به نحو مذکور هر که شروع در سلوک نماید در مرحله ای که اجل موجود برسد، در زمرة «من یتفرّج من ینتجیح الی الله و رسوله ثم یدرکه الموت فقد وقع أجره علی الله»<sup>۲۶</sup> محشور گردد.

اگر مرد راهی راحت نمودم، والله یهدی السبیل و هو یقول الحق»<sup>۲۷</sup>

آنچه به خاطر بود به قلم آمد تا که را به کار آید.

- هر کس که ز شهر آشنایی است

داند که متاع ما کجایی است

•••

- جامی ره خدا به خدا غیر عشق نیست

گفتیم والسلام علی تابع الهدی

والسلام

حواشی مربوط به قسمت اول:

- ۱- ملاصدرا المیده و الصمد / ص ۳۸۲، ج جدید.
- ۲- مرتضی مطهری: خدمات متقابل اسلام و ایران / ص ۵۹۱، ج هشتم.
- ۳- جلال الدین همایی: مقدمه بر شرح مشاعر آخوند ملاصدرا / ص ۱۵.
- ۴- ریحانة الادب ۳۰۱/۱.
- ۵- روّضات الجنات ۱۲۳/۷، ج جدید.
- ۶- لمعات الهیه / ۱۲۵، ج تحقیقی سید جلال آشتیانی.
- ۷- ریحانة الادب ۳۸۵/۵.
- ۸- ریحانة الادب ۲۶۶-۶۷/۵.
- ۹- مقدمه الشواهد الربوبیه / ص ۱۲۱ به بعد.
- ۱۰- روّضات الجنات ۱۰۸/۴، ج ۱۳۹۱.
- ۱۱- سید جلال آشتیانی: مقدمه بر مجموعه رسائل حکیم سبزواری / ۴۲-۴۳.
- ۱۲- منوچهر صدوقی: تاریخ حکماء و عرفاء / ۱۵۱-۱۵۰.
- ۱۳- محمد هاشم آصف: رسم التوریح / ۱۰۶-۱۰۷.
- ۱۴- روّضات الجنات ۱۲۳/۷.
- ۱۵- همان کتاب، همان صفحه.
- ۱۶- رسم التوریح / ۱۰۶-۱۰۷.
- ۱۷- ریحانة الادب ۳۰۱/۱.